

برداشت اولیه از نتایج شوراها و شهرداری‌ها

تثبیت سرمایه اجتماعی



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین الملل

پس از واقعه پیچرهای دشمن هرچه کارت دارد را به سرعت رو می کند. ترور فرماندهان یگان رضوان و رفوس رهبری گروه مقاومت طی جنگ رخ دادند. مماس بر آتش بس جنگ سوم لبنان و رژیم صهیونیستی، بشماراسد در توطئه‌ای بزرگ سقوط کرد؛ توطئه‌ای که تدارکات آن از مدت‌ها قبل انجام شده و به مثابه کاری در اختیار دشمن قرار داشت تا هر زمان که می خواهد آن را رو کند. پس از جنگ، دشمن به سرعت پرونده‌های سیاسی را به جریان انداخت تا لبانی‌ای که بدون رئیس جمهور بود به سرعت رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزرای جدیدی بیابد.

آخرین برگ از این پرونده‌ها، انتخابات شورای‌های شهر و شهرداری‌ها بود که روز یکشنبه (۱۴ اردیبهشت ۴۰۱۴ می ۲۰۲۵) برگزار شده و نتایج اولیه آن روز گذشته (دوشنبه، ۱۵ اردیبهشت، ۵ می) اعلام شد. طی مرحله اول این انتخابات که پس از ۹ سال وقفه و سه بار تمدید مهلت شوراها، از استان جبل شروع شد، مشارکتی ۴۵ درصدی رقم خورد که برنده آن جریان‌های مقاومت شیعی بودند. نتایج اولیه، نشان می دهد لیست «توسعه وفاداری» که به طور مشترک توسط حزب‌الله و جنبش امل معرفی شده در حوزه‌های کلیدی و مهمی مانند «حاره حریک» و «الغبیری» در منطقه بعیدا، همچنین در شهرهای «جون، الحجه و الوردانیه» در منطقه شوف و نیز شهر بمکین در

المنطقه العالیه پیروزی قاطعی به دست آورده است. اهمیت این ماجرا در پیروزی لیست‌های شیعی در مناطق شیعه‌نشین نیست، بلکه به شکست تلاش دشمن برای ایجاد جریان یقیب مقاومت در داخل شیعیان بازمی گردد. در برخی از حوزه‌های رقابتی در مناطق پرجمعیت، جریان‌ات ضد مقاومتی شیعه در برابر آرای انبوه مقاومت تنها چند صد رأی کسب کرده‌اند.

■ ■ ■

نکات

در خصوص انتخابات اخیر در لبنان و مسائل مرتبط با آن نکاتی وجود دارند که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

دشمنان و رقبای مقاومت لبنان در جریان انتخاب سهمیه وزارتی این جریان در ابتدای تشکیل دولت پس از آنکه در حذف سهمیه‌ها ناکام ماندند، تلاش کردند با ادعای احتمال تحریم دولت لبنان یا وزارتخانه‌های مزبور با قرار گرفتن اعضای اصلی مقاومت، این جریان را ناگزیر نمایند تا به جای اعضای اصلی، برخی افراد نزدیک به خود را برای وزارت معرفی کنند. این اقدام تا حدودی

صورت گرفت و اهدافی داشت. اعضای اصلی وابستگی تنگاتنگ، عمیق و پیوسته‌ای با مقاومت داشته و از نظر سیاست‌ورزی نیز به دلیل ارتباط مستقیم، کارآمدتر بودند؛

چه اینکه امنیتان گروه‌های مقاومت به آن‌ها نیز بیشتر بود.

با این حال اعضای سابق، هر چند همچنان تا حد زیادی مورد اطمینان‌اند، اما به زعم دشمن آن‌ها در برهه‌ای در مقاومت جددا شده و در نتیجه در هرم تشکیلاتی به میزانی بالا رفته‌اند که دارای توانمندی‌های بزرگی در سیاست‌ورزی شوند؛ در نتیجه تیم ضعیف‌تری از مقاومت در دولت قرار می گیرد.

این حربه تا حدی در تشکیل دولت به کار گرفته شد، اما چند عامل دیگر احتمالاً مانع از حصول نتیجه مدنظر جریان‌ات دشمن و رقیب مقاومت می شود. نخست آنکه این افراد نیز به شدت توانمندی سیاست‌ورزی بالایی دارند، زیرا هم با گروه‌های مقاومت کار کرده و هم با جدایی تشکیلاتی و رسمی، موفق به انواع فعالیت‌های دیگر شده و هم‌زمان ارتباط خود با مقاومت و باقی گروه‌های سیاسی را حفظ کرده‌اند. دومین مسئله به رسمی بودن و غیر رسمی بودن جایگاه آن‌ها در مقاومت مربوط است. آن‌ها شاید رسماً جایگاهی در احزاب را اشغال نکرده باشند، اما آیا واقعاً همین گونه است! مسئله سوم خطرگری این افراد از مقاومت است. آن‌ها حتی اگر از فعالیت‌های تشکیلاتی مقاومت فاصله گرفته باشند، حضورشان در دولت از سهمیه مقاومت، بار دیگر ارتباط تشکیلاتی آن‌ها را احیا می کند.

به نظر می رسد مقاومت در لبنان هر چند با تهدیداتی در خصوص مانورهای سیاسی مواجه شده است، اما اگر بتواند بازی را به خوبی انجام دهد، فرصت بزرگی خواهد داشت تا بتواند نوع جدیدی از سیاست‌ورزی نیمه‌مستقیم را به اجرا در آورد که خود نشانه‌ای از توسعه فضای سیاسی مقاومت و پنهان‌سازی عمق تصمیم‌گیری آن است. حضور سیاستمداران رده‌دم در دولت به عنوان سهمیه‌وزارتی شیعیان، می‌تواند نوعی توسعه سیاسی برای مقاومت باشد و این معنا را بدهد که ابعاد دستگاه سیاسی اش بزرگتر شده است. همچنین با دور ماندن اعضای اصلی از فعالیت‌های روزمره و دسترسی دیگران به آن‌ها، مقاومت از عمق تصمیم‌گیری بیشتری برخوردار می شود. با این حال این مسئله خطرات خود را دارد، نمونه‌ای تاریخی برای روند فوق تجربه شده است. در جریان انتخابات ریاست جمهوری مصر پس از برکناری «حسنی مبارک» دیکتاتور این کشور، اخوان المسلمین مصر قصد داشت «خیرت الشاطر» سیاستمدار باتجربه و مقبول خود را به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی کند اما در صلاحیت او باعث شد تا «محمد مرسی» کم‌تجربه‌تر به عنوان نامزد روزرو به رقابت راه یابد. عده‌ای معتقدند اگر الشاطر به جای مرسی به ریاست جمهوری رسیده بود، بسیاری از اشتباه‌های او را انجام نمی‌داد. با این وجود استدلال این عده نیز نمی‌تواند چندان قابل اتکا باشد، زیرا آن دسته از اقدامات مرسی که به سقوط او و اخوان المسلمین منجر شد، انفرادی اتخاذ نشده بود.

تمام تلاش دشمن در غزه و لبنان، ایجاد نیروی ثانویه در کنار مقاومت ۲ در محیط اجتماعی‌اش بوده است. در غزه علی‌رغم فشار سخت‌زدنگی و تلاش دشمن برای سوء استفاده از این فضا، نیروی معارضی علیه حماس شکل نگرفته است. در فلسطین اشغالی، صهیونیست‌ها قصد داشتند کمک‌ها و کالاهای ارسالی به غزه را از طریق قبایل در منطقه توزیع کنند تا با این اقدام، نیرویی سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی از قبایل شکل گرفته و کار حماس یکسره شود.

با ناکامی در همراه کردن قبایل و پی بردن به این مسئله که اتکا به قبایل نیز نمی‌تواند مدیریت حماس بر امور را زایل کند، صهیونیست‌ها کوشیدند مدل متفاوتی از معارضان مسلح را علیه حماس در غزه ایجاد کنند. برخلاف نیروی قبایل، این نیرو در حوزه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای توانمندی نبود و به شکل ایجابی نیز فعالیت نمی‌کرد. نیروی جدید، او باش مسلحی بودند که به کاروان کمک‌ها حمله کرده و آنها را در برابر دیدگان صهیونیست‌ها می‌ربودند. فعالیت آن‌ها حتی اقدامی نظامی نیز نبود، بلکه در چهار چوب فعالیت‌های ضد امنیتی می‌گنجید. پاسخ حماس به او باش مسلح، بر خوردن از طریق شاخه امنیتی و پلیس بود که نشان داد این گروه تا چه میزان بر اوضاع مسلط است.

آنچه مانع از تشکیل نیروی ثانویه علیه حماس شده، جذب تمام اقشار ذیل ساختارهای مقاومت است. اتاق عملیات مقاومت در غزه شامل چندین گروه می‌شود که شاخه‌های مسلح گروه‌های مختلف مذهبی و غیر مذهبی هستند. هم‌زمان با جذب نیروهای تشکیلاتی و ایدئولوژیک، حماس قبایل را نیز جذب کرد. از این رو تنها گروهی که بیرون از چتر حماس قرار گرفت، او باش بودند که آن‌ها نیز ظرفیت مقابله با این گروه را نداشتند. اگر این هماهنگی میان شاخه‌های مقاومت وجود نداشت، رژیم از طریق فعالیت‌های مستقیم و غیر مستقیم می‌کوشید تسلط حماس بر غزه را تضعیف کند. به عنوان نمونه می‌توانست صرفاً مناطقی که مرکز تجمع طر فداران حماس است را به محل اصلی عملیات‌ها تبدیل کند تا در سایه این اقدام، حماس در برابر گروه‌های مجاور خود تضعیف شود.

در لبنان نیز تلاش برای ایجاد نیروی ثانویه سنگین بوده، اما به دلیل استحکام بالاتر مقاومت در این کشور به نتایج کمتری رسیده است. ایجاد یک نیروی ثانویه غیر مقاومتی در میان شیعیان به دلایلی ناکام مانده است. عمده دلیل این ناکامی، پوشش اقشار مختلف مردم توسط دوگانه شیعی است. طیف‌های اسلام‌گرا را حزب‌الله و طیف‌های کمتر مذهبی و یاسکولار را جنبش امل نمایندگی می‌کنند و از این رو عرصه بکر و دست‌نخورده برای فعالیت دشمن باقی نمانده است. اگر حزب‌الله صرفاً در میدان حضور می‌یافت، اقشار کمتر مذهبی و یاسکولار به عرصه بکری برای ایجاد یک نیروی ثانویه در کنار مقاومت تبدیل می‌شدند و حتی مدت‌ها پیش از وقوع جنگ می‌شد این نیروی ثانویه را ایجاد کرد.

۳ جامعه شیعی لبنان درک کرده که مسیر در حال پیگیری برای تضعیف مقاومت، تفاوتی با تضعیف شیعیان ندارد. دهه‌ها قبل، بدون آنکه خبری از مقاومت و دیدگاه‌های اسلامی باشد، جامعه شیعه علی‌رغم ویژگی‌های برجسته خود در لبنان، از همه‌منظر منزوی بود. آن‌ها در سیاست به بازی گرفته نشده و در نتیجه سهمی نیز از منافع کشور نمی‌بردند؛ نتیجه آن زاغه‌نشینی جامعه شیعه بود، در حالی‌که دیگران جایگاه بهتری داشتند. با حضور «امام موسی صدر» و توجه شیعیان دیگر کشورها بود که جامعه شیعی لبنان موفق شد زیر شدیدترین فشارها به سهم خود در کشور دست یابد. پس از دهه‌ها عبور از این بحران، احتمال فراموشی گذشته و احیای شرایط پیشین محتمل است، اما آنچه در لبنان مانع از این روند شده، تاریخ طولانی‌انزو است. جامعه شیعی لبنان و شام در دوران امپراتوری مسلمان عثمانی تحت فشار بود و پیش از آن و حتی در زمان جنگ‌های صلیبی نیز آسیب‌های زیادی از جنگجویان مسیحی دید. در نتیجه با وجود تاریخی پیوسته از ظلم، جامعه شیعی لبنان به سادگی گذشته را نادیده نمی‌گیرد. بر همین اساس و علی‌رغم وجود نگاه‌های متفاوت، اکثریت قاطع جامعه شیعی ذیل دوگانه شیعی که تقریباً در امور بسیاری وحدت دارند، عمل می‌کند.

۴ برگزاری انتخابات شورای‌های شهر و شهرداری‌ها پس از وقفه‌های پی در پی و تقریباً بعد از یک دهه، در چهار چوب تحولات سیاسی پس از آتش بس برگزار شد.

مقاومت در این جنگ ضربات سنگینی به رژیم صهیونیستی وارد کرد اما خود نیز ضرباتی دریافت کرد که در پیامد آن رقبای داخلی و غرب تلاش کردند در محیط لبنان از این شرایط برای تضعیف مقاومت بهره‌گیرند. پس از جنگ بلافاصله روند‌هایی که مدت‌ها متوقف مانده بود از جمله پرونده خلار ریاست جمهوری آغاز شدند. جوزف عون، نامزد مدنظر آمریکا و مسعودی رأی آورد و سپس «نواف سلام» دیگر نامزد آن‌ها نیز به نخست‌وزیری رسید.

تلاش‌های بعدی جمع‌آوری زیرساخت‌های نظامی مقاومت در جنوب رود لبانی، پاکسازی شهرها از نمادهای حزب الله و همچنین اعمال فشار برای خلع سلاح و یا دستکم محدودسازی سلاح مقاومت بود. دشمن که احساس می‌کرد موفق شده در این زمینه‌ها برخی نتایج مدنظر خود را به دست آورد، طمع کرد با دیدن زد انتخابات شورای‌های شهر و شهرداری‌های می‌تواند این روند را ادامه دهد. مشکل اما آنجا بود که در پرونده ریاست جمهوری و تشکیل دولت نیز مقاومت دست بسته نبود و در پرونده تسلیحاتی خود نیز انعطافی نشان نداد. اگر در این پرونده‌ها مقاومت عقب‌نشینی نداشت، آشکار است که در داخل هسته سخت خود، اصلاً عقب‌نشینی نخواست داشت. اما آنچه دشمن از این انتخابات دریافت خواهد کرد، افزایش انگیزه مقاومت و رشد تحرکاتش در دیگر حوزه‌های سیاسی است.

شازدهٔ پهلوی ایدهٔ پدرش در کشتار مردم ایران توسط قدرت خارجی را با کمک قاسمی‌نژاد و طالب‌لو در FDD بازطراحی کرد

پادوتر از پدر



«یسرکو ندارد نشان از پدر» همیشه هم تعبیری تمجیدآمیز از رستم‌زاده‌ای که پهلوانی را به ارث برده نیست. می‌شود آن را برای شرح وضعیت دیوارده‌ها هم به کاربرد. رضا پهلوی زمانی که به تل‌او رفوت با در محیطی شبیه آبدارخانه روی صندلی پلاستیکی و در مجاورت دو سطل آشغال با تانیاهاو عکس یادگاری بگیرد، نشان داد می‌خواهد برای احیای دیکتاتوری خاندانی‌شان، همچون پدرش با نیکبه به نیروی خارجی روی مردم ایران اسلحه بکشد. برای همین هم پس از این سفر در مصاحبه‌ای تعبیر «پادسر مار رازه» را به کار برد تا ناکر مو به موی ادبیات بی‌بی، به خیال خودش دلبری کرده و او را به جنگ با ایران تشویق کند. اینکه هدف رضا پهلوی این بوده که شکست ستارو براندازی را با آغاز جنگ از کانال اسرائیل جبران کند، امری مشهود بود؛ اما حالا سخنگوی سابق ارتش اسرائیل نیز محتوای آن دیدار را افشا کرده تا دیگر جای هیچ گونه ماست مالی باقی نماند. سخنگوی ارتش اسرائیل در گفت‌وگویی با سی‌ان‌ان می‌گوید: «نقشه اولویت‌های بمباران کلیه زیرساخت‌های ایران را در عضو بنیاد دفاع از دموکراسی به ریاست مارک دووویوتز به ارتش اسرائیل داده‌اند. نام آن در عضو سعید قاسمی‌نژاد و بهنام بن طالب‌لو است.» این‌ها نزدیک‌ترین یاران رضا پهلوی هستند. دووویوتز سفیر رضا ویاسمین پهلوی به اسرائیل را ترتیب داد و سعید قاسمی‌نژاد هم همراه آن دو بود. دووویوتز اخیراً در توییته راه‌حل مواجهه با ایران را قدرت نظامی آمریکا و اسرائیل عنوان کرده و قاسمی‌نژاد نیز پیش از این در یک مصاحبه تلویزیونی گفته بود: «با رضا پهلوی به اسرائیل رفتند تا تکلیف سلاح‌های موشکی و پرنانه هسته‌ای ایران را روشن کنند.» رضا پهلوی در حالی که با تکرار توهमत تانیاهاو برای نابودی زیرساخت‌های ایران طرح‌ریزی می‌کند، پس از انفجار در بندر شهید رجایی بندرعباس طی توییته با تعبیر «قرانی شدن مردم بی‌گناه» اشک تمساح ریخت و نسبت به محافظت نشدن از مردمی که خودش کشتار آن‌ها را طرح‌ریزی کرده، معترض شد. دیگر تافضن نیز آرمیزاسلطنت طلبان حامی کشتار مردم این است که آن‌ها برای بنیادی کاری‌کنند که مدعی دفاع از دموکراسی است، اما راهبر دش کشتار مردم و حمایت از دیکتاتور اخراجی ایران است. کارمندان ایرانی تبار حاضر در بنیاد جنگ طلب مدعی دموکراسی‌ که تا پیش از این تقابل ایران را از مسیر تحریم دنبال می‌کردند، اکنون شمشر از رو بسته و پا در رکاب دیکتاتور زاده‌ها از کودک‌کش‌ها جنگ‌گدایی می‌کنند. این جنگ طلبی در حالی صورت می‌گیرد که سلطنت‌طلبان بعد از شکست پروژه براندازی هر روز با انتشار اسناد جدیدی در مورد فائده‌های رقبای خود در کاسبی براندازی افشاگری می‌کنند، حال آنکه خود برای هرچه جرب‌تر شدن این کاسبی هیچ مزی قائل نبوده و به امید تکرار تصاویر غزه در تهران به دست‌بوسی تانیاهاو هم رفته‌اند.

بنیاد دفاع از جنگ و تحریم‌ها

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، FDD، اندیشکده‌ای آمریکایی است که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با هدف ادعایی ترویج دموکراسی و مبارزه با تروریسم تأسیس شد، اما رهش‌های آن به اوایل ۲۰۰۱ و مؤسسه‌ای به نام EMET با هدف بهبود تصویر اسرائیل در آمریکا بازمی‌گردد. این بنیاد که مدعی غیرحزبی بودن و تمرکز بر سیاست خارجی و امنیت ملی است، نقش مهمی در طراحی و ترویج تحریم‌ها علیه ایران ایفا کرده و به دلیل فعالیت‌هایش از سوی ایران تحریم شده است. FDD توسط گروهی از ثروتمندان یهودی آمریکایی با روابط نزدیک به رژیم صهیونیستی و حزب لیگود اسرائیل تأسیس شد. اسناد فاش شده در سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهد حامیان اصلی آن شامل برنارد مارکوس (مؤسس هوم‌پیپر)، پل سینگر (مدیر صندوق سرمایه‌گذاری)، شلدون ادلسون (مالک کارپینو و حامی لیک)، لئونارد آبرامسون و مایکل اشتاینهارت هستند. این افراد که از حامیان سرسخت اسرائیل هستند، مبالغ کلانی به FDD اهدا کرده‌اند: برای مثال، مارکوس بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ حدود ۱۰/۷ میلیون دلار و ادلسون در سال ۲۰۱۱ حداقل ۱/۵ میلیون دلار به این بنیاد کمک کردند. این حمایت‌ها با مواضع FDD در حمایت از مداخله نظامی آمریکا در خاورمیانه و سیاست‌های سختگیرانه علیه ایران هم‌راستاست. FDD یکی از فعال‌ترین مؤسسه‌ات آمریکایی در پیگیری و پراوشی جمهوری اسلامی ایران است و موضوعاتی چون تحریم‌ها، برنامه هسته‌ای، موشک‌ها، حقوق بشر، اقتصاد ایران، حزب‌الله و نفوذ ایران در آمریکای لاتین را هدف قرار داده است. FDD نفوذ قابل توجهی در سیاست‌گذاری آمریکا دارد. پس از ترور شهید سلیمانی، مارک دووویوتز این اقدام را تحسین کرد و حضور ریچارد گلدبرگ، مشاور ارشد FDD، در شورای امنیت ملی آمریکا نشان‌دهنده ارتباط نزدیک این بنیاد با دولت ترامپ بود. گلدبرگ حتی در زمان حضور در شورای امنیت ملی، از FDD حقوق دریافت می‌کرد.

طراح حذف اینستکس

سعید قاسمی‌نژاد، مشاور ارشد امور ایران و اقتصاد مالی در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، FDD یکی از چهره‌های کلیدی این اندیشکده آمریکایی است که در طراحی و ترویج سیاست‌های تحریمی علیه ایران نقش فعالی دارد. او مقاله‌ای که در وبسایت FDD منتشر شده، پیشنهاد تحریم شرکت‌های خودروسازای ایران خودرو و سایپا را مطرح کرده است که حدود ۹۰ درصد بازار خودروی ایران را در اختیار دارند. قاسمی‌نژاد با اشاره به وابستگی این صنعت به قطعات وارداتی، استدلال می‌کند که تحریم این شرکت‌ها می‌تواند ایران را مجبور به استفاده از ذخایر ارزی برای واردات خودرو کند که به اقتصاد کشور آسیب می‌زند. او همچنین مدعی

ارتباط نزدیک این خودروسازان با نهادهای نظامی ایران شده و تحریم آن‌ها را گامی در راستای سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ توصیف کرده است. علاوه بر صنعت خودروسازی، قاسمی‌نژاد پیشنهادهای دیگری برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران ارائه داده است. او خواستار تحریم سازمان اقتصادی رضوی (بازوی تجاری آستان قدس رضوی)، بورس اوراق بهادار تهران و شرکت‌های مرتبط با آن شده و پیشنهاد کرده است که سازمان بورس و اوراق بهادار ایران (SEO) نیز هدف تحریم قرار گیرد، زیرا این نهاد بر بورس انرژی و بورس کالای ایران نظارت دارد. او همچنین بر تحریم صنعت پتروشیمی ایران تأکید کرده و معتقد است که با وجود تحریم‌های موجود، ردیابی محصولات پتروشیمی دشوار است. برای رفع این مشکل، او سه راهکار پیشنهاد داده: شناسایی صریح شرکت‌های فعال در این صنعت، ممنوعیت صادرات فناوری و خدمات مرتبط با پتروشیمی به ایران و ممنوعیت سر مایه‌گذاری در این بخش. قاسمی‌نژاد در مقاله‌ای مشترک با مارک دووویوتز، مدیر FDD، در می ۲۰۱۹ به دولت آمریکا هشدار داد که سازوکار اینستکس می‌تواند راهبرد تحریمی آمریکا را تضعیف کند. او با متهم کردن بانک مرکزی ایران به تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی، به وزارت خزانه‌داری آمریکا توصیه کرد که ریسک همکاری با اینستکس را به طرف‌های اروپایی گوشزد کند. چنین پیشنهاداتی به تحریم ۱۸ بانک ایرانی منجر شد. کسانی که جداکثری‌ترین تحریم‌ها علیه ایران را طراحی و ترویج کرده‌اند، اکنون رو به ایده تقابل نظامی آورده‌اند تا تالو پم‌ا اعتراف کرده باشند تحریم‌ها آن قدر در تحقق اهداف ضد ایرانی کارایی را نداشته‌اند.

طالبان شکست مذاکره

بهنام بن طالب‌لو که کارشناسی ارشد خود را در رشته روابط بین الملل از دانشگاه شیکاگو و مدرک کارشناسی خود را در رشته امور بین الملل و مطالعات خاورمیانه از دانشکده امور بین الملل الیوت دانشگاه جورج واشنگتن دریافت کرده است، مدیر ارشد برنامه ایران در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) است. او همچنین به‌عنوان پژوهشگر ارشد در زمینه مسائل امنیتی و سیاسی ایران فعالیت می‌کند. طالب‌لو پیش از یک دهه در برنامه ارشد FDD نقش داشته و در جایگاه‌هایی چون پژوهشگر ارشد، پژوهشگر و تحلیلگر ارشد ایران کار کرده است. پیش از پیوستن به FDD، او در یک اندیشکده کنترل تسلیحات در واشنگتن روی مسائل مرتبط با منع اشاعه تسلیحات کار می‌کرد. طالب‌لو با بهره‌گیری از تخصص موضوعی و مهارت‌های زبانی بومی خود در زبان فارسی، طیف گسترده‌ای از موضوعات مرتبط با ایران را در سطوح منطقه‌ای و عملکردی دنبال می‌کند. از جمله منع اشاعه هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و پهپادها، تحریم‌ها، سیاه‌اسازان انقلاب اسلامی

و گروه‌های مقاومت، سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و سیاست داخلی ایران. او به‌طور مکرر برای ارائه گزارش به روزنامه‌نگاران، کارکنان کنگره، دیپلمات‌ها، نظامیان، دانشگاهیان و مخاطبان سیاست‌گذاری در واشنگتن، سراسر ایالات متحده و جهان دعوت می‌شود. طالب‌لو همچنین در کمیته‌های مختلف کنگره ایالات متحده، پارلمان کانادا و مجلس عوام بریتانیا علیه ایران صحبت کرده است. طالب‌لو که فعالیت رسانه‌ای گسترده‌ای در تشریح تحریم‌های ضد ایرانی دارد، اخیراً مدعی شده است: «چه باتوافق و چه بدون توافق، اجرای تحریم‌ها توسط دولت ترامپ ادامه دارد.» طالب‌لو که مدعی دارد حمله موشکی یمن به فرودگاه بن‌گورین را به ایران نسبت دهد، با طرح پرسشی حمله نظامی به ایران را این گونه مطالبه کرده است: «چرا به آن‌ها اجازه می‌دهیم فکر کنند که می‌توانند دوباره این کار را بدون هزینه بزرگ انجام دهند؟»

پهلوی نه سلطنت بلکه دزدی را به ارث برد

پادوهای پهلوی و تانیاهاو در بنیاد FDD با تلاش برای «توقیف» یا به تعبیر بهتر «دزدی» اموال ایران همان تصویری را (احیای) کنند که محمدرضا پهلوی و همسرش با خارج کردن اموال ایران در لحظات پایانی قدرتش از خود برجای گذاشته‌اند. در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶، دیوان عالی آمریکا حکمی برای مصادره حدود ۲ میلیارد دلار از اموال مسدودشده بانک مرکزی ایران صادر کرد تا به بازماندگان حملات ۱۹۸۳ بیروت و سایر حملاتی که ایران مسئول شناخته شده بود، پرداخت شود. این حکم در ادامه تصمیم دادگاه فدرال ۲۰۰۷ برای پرداخت ۲/۶۵ میلیارد دلار غرامت بود که منجر به توقیف دارایی‌های ایران در سی‌تی بانک نیویورک در ۲۰۰۸ شد. در ۲۰۱۲، باراک اوباما با دستور اجرایی، تمام اموال بانک مرکزی ایران در آمریکا را بلوکه کرد و کنگره قانون «کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه» را تصویب کرد که دریافت غرامت از اموال ایران را تسهیل می‌کرد. پس از اعتراض ایران، دیوان عالی در ۲۰۱۶ حکم را قطعی کرد. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها از حامیان اصلی مصادره اموال ایران است. دو هفته پس از حکم ۲۰۱۶، ارده کثرتی در مقاله‌ای در FDD، این شکایت‌ها را «جنگ حقوقی» (Lawfare) و «سلاحی برای دستیابی به اهداف امنیت ملی آمریکا با هزینه کم توصیف کرد. او خواستار فشار آمریکا برای مصادره دارایی‌های ایران در کشورهای دیگر شد. FDD همچنین در ۲۰۱۶، پیش از اجرای برجام، در پرونده «جفرسون و بانک مرکزی» از مصادره اموال ایران حمایت کرد. مارک دووویوتز، مدیر FDD، در بیانیه‌ای از بازتألف کرد که برجام پرداخت غرامت به قربانیان را از درآمد‌های نفتی ایران شامل نشد. FDD با حمایت از این شکایت‌ها، به دنبال انزوای دائمی اقتصاد ایران است تا حتی پس از رفع تحریم‌ها، تعامل اقتصادی ایران با جهان مختل شود.

